

سخنرانی دکتر احسان نراقی در کنفرانس بین‌المللی خیام

۱۷۳

بسیاری از من سؤال می‌کنند به چه دلیل نام برنامه‌ای را که هدف آن ارزیابی و شناخت نقش تمدن اسلامی در میراث علمی جهان است، بیت‌الحکمة نام نهاده‌ایم. این نام از کجا ریشه می‌گیرد؟

اولین بار هارون الرشید (۸۰۹-۷۶۶) در بغداد کتابخانه بسیار مهمی بنام «خزانة حکمت» بنا کرد. در این کتابخانه مترجمینی نیز به کار گمارده شده بودند. البته این کتابخانه که بعدها نام «بیت‌الحکمة» را به خود گرفت، در زمان مأمون به دوران شکوفائی خود رسید. ابن ندیم روزی خواب خواب خلیفه مأمون را چنین نقل می‌کند:

«در مقابل او مردی با چهره گشاده، صورتی روشن و شاداب، پیشانی فراخ و چشمان آبی نافذ که از میان خطی از ابروان به هم پیوسته خودنمایی می‌کرد، روی یک سکو نشسته بود. امیر مؤمنان با هیجان از او پرسید: تو کیستی؟

مرد پاسخ داد: ارسطو. سپس به خلیفه اجازه داد تا از او سؤالات دیگری بپرسد. آنگاه مأمون پرسش اساسی را برای او مطرح کرد:
- خوب چیست؟

- آنچه برای روح خوب است؟

- و بعد؟

- آنچه برای قانون خوب است؟

و بعد؟

آنچه برای مردم خوب است.

سپس ارسطو به مأمون سفارش کرد تا کسی را که به او درباره زر پند دهد چون کیمیا ارج نهد و به او توصیه کرد تا به مکتب توحید بگراید.»

این ندیم اضافه می‌کند که به دنبال این خواب مأمون دانشمندانی برای جستجوی کتابهای فلسفه باستان به آتن فرستاد. وصول این کتابها پس از سالها مذاکره میسر شد، و در نهایت این دانشمندان با دست‌نوشته‌های ارسطو، افلاطون و ارشمیدس، به موطن خود بازگشتند.

بدین ترتیب بود که کار ترجمه از زبان یونانی به عربی به یک مسئله دولتی تبدیل شد بغداد مرکز ترجمه آفاری شد که نه تنها از آتن که از چین و هند و ایران به این کشور منتقل می‌شدند. یهودیان و مسیحیان نیز نقش مؤثری در انتقال دانش باستان ایفا کردند.

در کنار کار ترجمه «بیت‌الحکمة» به محل گردهم‌آئی و بحث و ملاقات میان فلاسفه تبدیل شد.

۱۷۴

مسعودی در کتاب خود به نام «مروج‌الذهب» به امر بی‌مانندی در آن عصر اشاره می‌کند: «در جلساتی که مأمون روزهای سه‌شنبه برپا می‌کند، سعی دارد نه تنها میان نمایندگان مذاهب مختلف (یهودی، مسیحی، مسلمان، زرتشتی)، بلکه در میان حامیان مکتب معتزله نیز بحثهای سیاسی مذهبی ایجاد کند.

در این مجالس دانشمند و محقق و فقیه گرد هم می‌آیند، بر سر یک سفره غذا می‌خورند، سپس وضو می‌گیرند و در مقابل خلیفه تا شامگاه به بحث می‌پردازند و پس از شام به‌منزل خود بازمی‌گردند.

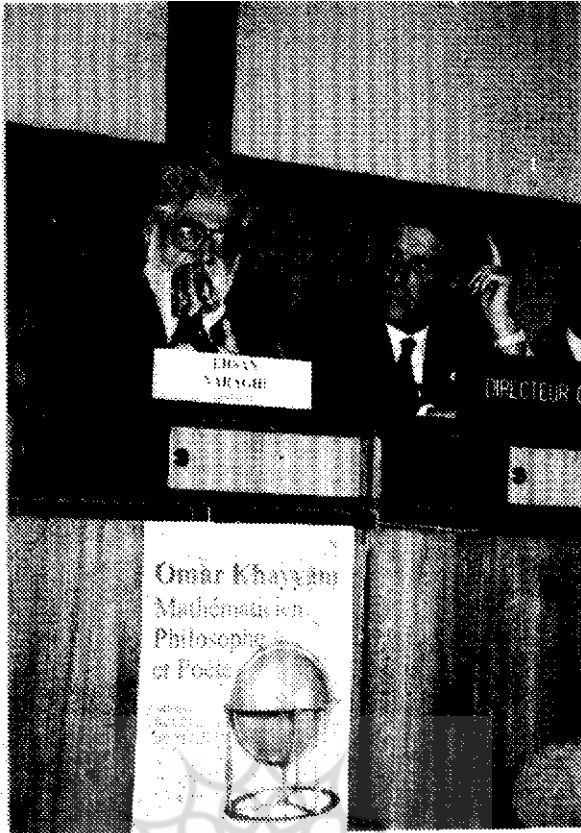
تصور مأمون بر این است که این گفتگوها راه مؤثری برای یافتن حقیقت می‌باشد.»

عباس اقبال در کتاب تاریخ نویختی این سخنان را از خلیفه مسلمین نقل می‌کند:

«انسان بر دشمن خود فقط از راه عقل می‌تواند پیروز شود و نه از راه زور، زیرا که اولی جاودانه است ولی دومی با تحلیل قدرت از میان می‌رود.»

اگر جانشینان مأمون رفتار او را الگوری خود قرار ندادند، لاقلاً خاطره این مناظرات در ذهن اهل علم حک شد و جای خود را در کتابها به سنت ادبی داد که تا به امروز باقی مانده است.

سازمان بیت‌الحکمة متشکل بود از یک رئیس، صحافان و منشیان.



درهای کتابخانه نه تنها به روی نزدیکان خلیفه که بروی تمامی اهل علم باز بود. مورخان معتقدند که پس از آکادمی افلاطون، مدرسهٔ ارسطو و دانشسرای اسکندریه، بیت‌الحکمت چهارمین مهد فرهنگ بشری بوده است.

ولی اگر تصور کنیم که نقش تمدن اسلامی در علم (همانگونه که بسیاری سعی در باوراندن آن دارند) محدود به کار ترجمه، یا به عبارتی تسخیر دانش باستان می‌شود، راه را به خطا رفته‌ایم. در شرق عطش دانستن منجر به کشفیات بسیاری در زمینه‌های مختلف از جمله طب، نجوم، ریاضیات و فلسفه شد.

از میان نامهای ارزشمند این دوره می‌توان به بوعلی سینا اشاره کرد که کتاب هدف‌دار به نام قانون شفا، به عنوان یک اثر مرجع در شرق و غرب تا قرن نوزدهم تدریس می‌شد.

زکریای رازی در فن تشخیص بیماری تبحر داشت.

ابن رشد حکم پلی را داشت که اروپائیان را به ارسطو مرتبط کرد.

ابن حیشم در زمینهٔ نورسنجی تحقیقات مهمی انجام داد.

ابوریحان بیرونی، نابغهٔ عصر، نویسندهٔ آثار متعددی است از جمله کتاب هند که هنوز به عنوان مرجع تحقیق از آن استفاده می‌شود.

و نیز خیام که امروز ما را گرد هم آورده است.



● مدیرکل یونسکو و دکتر نراقی (عکس از علی دهباشی)

پادشاهان بسیاری برای جذب این دانشمندان با ارزش با یکدیگر به رقابت برخاستند. بدین ترتیب بیمارستانها، کتابخانه‌ها و رصدخانه‌های بسیاری تأسیس کردند. حاصل این دانش بعدها از طریق اسپانیا و سیسل جذب اروپا شد و در آنجا مقدمات شکوفائی دورهٔ رنسانس و ظهور توابع آن را فراهم کرد.

بدین ترتیب یکی از اهداف طرح بیت‌الحکمة یادآوری این نکته است که دانش غرب راه آتن، رم، پاریس را طی نکرده است بلکه از آتن به بغداد و پس از تحول به اندلس و اروپا منتقل شده است.

البته من مایلیم تأکید کنم که طرح بیت‌الحکمة با پشتیبانی آقای فدریکو مایوره، مدیرکل یونسکو آغاز شد.

فعالتهای متعددی پیش از این نیز در چهارچوب این طرح انجام گرفته بود. از جمله کنفرانسی دربارهٔ ابن‌رشد که با همکاری آکادمی علمی - ادبی - هنری تونس برگزار شد. کتابهایی نیز دربارهٔ ابن‌کنفرانس هم اکنون در دست چاپ می‌باشد.

با همکاری آنسیکلوپدیا ایرانیکا نیز اثری به نام زندگی و کار فارابی منتشر کردیم. در حال حاضر برنامه‌های متعددی در حال اجرا هستند که از میان آنها به ذکر چند نمونه بسنده می‌کنیم:
- انتشار زندگینامهٔ بیش از ۱۲۰۰۰ تن از دانشمندان ده قرن اول هجری

- انتشار یک اثر مصور درباره تاریخ علم در جهان اسلام از خلال دست‌نوشته‌های نادر.
- کنفرانسی درباره تاریخ طب و داروسازی که احتمالاً در سوریه و یا لبنان برگزار خواهد شد.
در برگزاری مراسم یادبود خیام افراد بسیاری از میان دوستان ایرانی و خارجی با ما همکاری کردند.

در اینجا لازم می‌دانم که به خصوص از ایسکو و نیز یارانی که در این جمع حضور دارند و چه آنها که برایشان مقدور نبود در این جمع حضور به هم رسانند سپاسگزاری کنیم چرا که بدون کمک مالی این دوستان برگزاری این کنفرانس و همچنین انتشار آثار ریاضی خیام ممکن نبود. خیام در غرب بیشتر به خاطر رباعیاتش شهرت یافته است.

هدف کنفرانس حاضر این است که بر جنبه‌های مختلف تحقیقات ریاضی خیام که تا حدی مکتوم مانده است تأکید کند و من در اینجا رشته سخن را به دست دانشمندانی می‌دهم که بر ما منت گذاشتند و از اقصی نقاط دنیا به اینجا آمدند تا هر یک با مقالات خود بر جنبه‌ای از نبوغ خیام پرتوافکنی کنند.

خیام به واقع که بود؟

من به شما پیشنهاد می‌کنم پاسخ این سؤال را از خلال دو اثر ارزنده که به مناسبت این کنفرانس منتشر شده است دریابید:

اولی عمر خیام ریاضیدان اثر آقای رشدی راشد و بیژن وهاب‌زاده

دومی ترجمه جدیدی از رباعیات خیام توسط آقای پروفیسور حسین صادقی، جراح قلب و استاد دانشگاه لوزان.

آقای پروفیسور رشدی راشد به غیر از اثری که هم اکنون از آن یاد کردم، اثر عظیم دیگری به نام تاریخ علوم عرب در سه جلد منتشر کردند و به همین مناسبت آقای فدریکو مایور نیز پیشنهاد من را قبول کردند و تصمیم گرفتند تا به آقای رشدی راشد و گروه تحقیقاتیشان مدال طلای ابوعلی سینا را اعطا نمایند و من نیز امتنان خود را از این امر ابراز می‌نمایم.